



لشکرکشی سوسیال امپریالیزم شوروی در ششم جدی ۱۳۵۸ خورشیدی به افغانستان را به شدیدترین وجه تقبیح می‌کنیم!

۴۲ سال قبل از امروز، به تاریخ ششم جدی ۱۳۵۸ خورشیدی، افغانستان مورد تجاوز نظامی سوسیال امپریالیزم شوروی قرار گرفت و در زیر چکمه‌های خونین و متجاوزش، استقلال، آزادی، منافع ملی و حقوق خلق‌های کشور پای‌مال گردید و در یک کلام کشور ما به مستعمره تمام عیارش مبدل شد.

کودتای ننگین هفت ثور "خلقی" - پرچمی به حمایت سوسیال امپریالیزم روسیه، سرآغاز تجاوز نظامی روسها به افغانستان می‌باشد که در شش جدی ۱۳۵۸ کشور ما از زمین و هوا مورد هجوم و لشکرکشی بیش از یکصد و پنجاه هزار عسکر روسها قرار گرفت و به اشغال کامل در آورده شد.

امسال ششم جدی، تجاوز عریان سوسیال امپریالیزم شوروی را در حالی تقبیح می‌نماییم که کشور ما هنوز مستعمره - نیمه فنودال تحت حاکمیت نیروی قرون وسطانی طالبان قرار دارد.

یقیناً بررسی تاریخی سیر نفوذ سوسیال امپریالیزم در افغانستان، نشان‌دهنده این مطلب است که حرکت تجاوزکارانه سوسیال امپریالیزم شوروی به افغانستان گامی بود در جهت نزدیک شدن شان به آبهای گرم بحر هند و خلیج فارس که هم منافع بلوک امپریالیستی رقیب شان و هم منافع نیروهای وابسته اش در منطقه را مورد ضربت جدی قرار میداد.

به همین دلیل بود که حرکت خودجوش توده‌ها بعد از کودتای هفت ثور و به تعقیب بعد از اشغال افغانستان توسط سوسیال امپریالیست‌های شوروی، مقاومت وسیع و همه جانبه ای را دامن زد، که در عین حال، تحریکات و مبارزات سیاسی و نظامی نیروهای ارتجاعی وابسته به امپریالیزم غرب و ارتجاع منطقه و مبارزات نیروهای انقلابی و ملی را نیز شامل می‌گردید.

متأسفانه دلایل متعددی باعث گردید که نیروهای ارتجاعی وابسته به امپریالیزم غرب بتوانند بطور روزافزونی مبارزات و مقاومت‌های خودجوش توده‌های مردم را علیه تجاوز عریان و گسترده سوسیال امپریالیزم شوروی، تحت تسلط خود درآورند. از آن جمله می‌توان به تسلط فرهنگ فنودالی در جامعه، موجودیت ماسک دروغین دموکراسی و ترقی خواهی چهره‌های مزدور و ادعاهای انقلابی‌گری و کاذب سوسیال امپریالیزم شوروی، موجودیت رژیم‌های ارتجاعی در ایران و پاکستان و حمایت بی‌دریغانه امپریالیست‌های غربی، سردمداران مرتجع چینی و ارتجاع عرب اشاره نمود. بر علاوه عدم مساعد اوضاع انقلابی در سطح بین‌المللی، منطقه‌یی و کشور برای نیروهای انقلابی و ملی - دموکرات از یکسو و انحرافات و راه گمی‌های ایدئولوژیک - سیاسی انقلابیون کشور، عدم موجودیت مرکزیت یک جنبش انقلابی پیشرو که قادر به رهبری انقلابی مبارزات و مقاومت توده‌ها داشته باشد از سوی دیگر باعث گردید که نیروهای انقلابی - ملی و دموکرات نتوانند نقش موثری در جنگ مقاومت ایفاء نمایند.

به هر حال، مقاومتی که سوسیال امپریالیزم شوروی بدان مواجه گردید، فصل خونینی از مبارزات مردم افغانستان را رقم زد. این مقاومت و مبارزه از یک جانب شکست پذیری ابرقدرت سوسیال امپریالیستی را علیرغم تمام ساز و برگ نظامی اش به نمایش گذاشت و از جانب دیگر ظرفیت جانبازی و بی‌همتای مردمان کشور را در مقابله با آن نشان داد. جنگ تجاوزکارانه سوسیال امپریالیستی و مقاومت علیه آن، که یک دهه به طول انجامید، در حدود دو میلیون تن کشته و معلول، شش میلیون آواره و تخریب هزاران روستا و چندین شهر را بر مردمان این کشور تحمیل نمود. این مقاومت با وجودی که از رهبری نیروهای انقلابی برخوردار نبود اما فروکش نکرد و خروشان به پیش رفت و ضربات کاری بر پیکر اشغالگران سوسیال امپریالیستی وارد ساخت.

این مقاومت همه جانبه باعث گردید تا سوسیال امپریالیزم در چوکات استراتژی عمومی گریباچوف (پروستریکا و گلاسنوست) در صدد عقب نشینی از افغانستان برآیند و مهره دیگرشان یعنی به قدرت رساندن نجیب بجای ببرک و اعلام "مشی مصالحه ملی" از جانب رژیم مزدور کابل علم نمایند؛ اما دیری نپایید رژیم مزدور کابل نیز در سال ۱۳۷۱ فروپاشید و باندهای ارتجاعی اسلامی برای کسب قدرت به جنگ پرداختند. جنگ داخلی که باعث دزدی، چپاول و غارت اموال مردم و تجاوز گسترده به زنان گردید. این جنگ‌های خانمان‌سوز ارتجاعی داخلی در دوره طالبان که پس از جنگ‌سالاران جهادی و فنودالی قدرت را به دست گرفتند، نه تنها خاتمه نیافت بلکه ابعاد وسیع‌تری را بخود اختیار نمود.

سرانجام قشون اشغالگر امپریالیزم امریکا و شرکای همپیمانانش با بهانه قرار دادن واقعه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، تجاوز آشکار و ددمنشانه شانرا با روپوش شعارهای کاذبانه، عوام فریبگونه و حيله گرانه براه انداختند و افغانستان را در تحت سیطره و نفوذ کامل خود در آوردند و رژیم دست نشاندهی را با ریاست شاه شجاع سوم بر چوکی قدرت نشانند.

بیست سال اشغال کشور (۲۰۰۱ - ۲۰۲۱) تکرار المناک سببیت و ددمنشی متجاوزین و اشغالگری امپریالیستی، در راس امپریالیزم لجام گسیخته امریکا و جباریت و ستمگری سببانه حکام بومی و سرگذشت غم‌انگیز و پر درد و رنج توده‌های این سرزمین است.

بیست سال مقاومت ارتجاعی و قسمی طالبان باعث گردید تا بار دیگر افغانستان شاهد جابجایی قدرت میان رژیم دست نشانده امپریالیست ها و دست پروردگان دیروزی امپریالیست ها باشد. از همین خاطر، بطور باورنکردنی که جهان را در حیرت فرو برد، به تاریخ ۲۴ اسد ۱۴۰۰، افغانستان در کام قرون وسطی ترین نیروی متحجر طالبان قرار داده شد و با حضور بالقوه و بالفعل بیش از ۵۸۰۰ تن از نیروهای اشغالگر در کابل، طالبان به ارگ ریاست جمهوری داخل گردیدند.

اینک ما شاهد به قدرت رسیدن نیروی متحجر، واپسگرا و قرون وسطانی "طالبان" قرار داریم که با سیاست های ارتجاعی و استبدادی شدیدشان بالای کشور و مردمان کشور اعمال قدرت می کنند. خلق های کشور زخم ناسور ناشی از استبداد تتوکراتیک شان را با گوشت و پوست خود لمس می کنند و رنج های عظیمی را متقبل می گردند.

مردمان کشور، تحت حاکمیت "طالبان" در حالت اختناق و خفقان کامل به سر می‌برند. فقر و بی بضاعتی دمار از روزگار مردم در آورده، بازار ترورها و قتل های هدفمند و اختطاف و دزدی گرم شده است، و تحقیر و توهین به ارزش های والای انسانی و سرکوبگری شدید فرهنگی و زن ستیزی آنها به نانسائی ترین شکلش در گوشه و انکاف کشور شاهد بوقوع پیوستن آن هستیم.

اینک ضرورت جدی وجود دارد که خاطره تلخ و دردناک تجاوز سوسیال امپریالیزم شوروی به افغانستان و اشغال کشور در ششم جدی ۱۳۵۸ و پیامدهای گوناگون فاجعه بار آن، که از اذهان مردم زحمتکش کشور پاک نشدنی است، را از یک‌طرف و خاطره افتخارآمیز مقاومت حماسی و جان‌بازانه در مقابل اشغالگران سوسیال امپریالیست و مزدوران شان از طرف دیگر، در خدمت به برپایی و پیشبرد مبارزه و مقاومت علیه امارت اسلامی طالبان و حامیان امپریالیست بین المللی شان و اشغالگران مرتجع داعشی، بیشتر از پیش پرورانده شود.

ما ضمن تقبیح سالروز تجاوز سوسیال امپریالیزم شوروی به افغانستان، یاد جانباختگان مان را گرامی میداریم و تشدید مبارزه علیه امارت اسلامی افغانستان و حامیان بین المللی شان و اشغالگران مرتجع داعشی را نه تنها یک وظیفه مبارزاتی بلکه یک وظیفه مبارزاتی عمده و عاجل میدانیم.

ما مصمم هستیم که با تمام قوت و توان مان در این مسیر پر افتخار گام برداریم و در این راه از هیچ گونه سعی، کوشش و تلاشی برای سازماندهی، بسیج، اتحاد و انسجام نیروهای ملی - دموکراتیک نوین انقلابی و بسیج توده های میلیونی زحمتکش افغانستان در راه مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه امارت اسلامی افغانستان و حامیان بین المللی شان به سرکردگی امپریالیزم جهان خوار امریکا و دار و دسته های ارتجاعی آن و اشغالگران مرتجع داعشی، دریغ نه ورزیم، آنرا به مثابه مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی تا روی کار آمدن دولت دموکراتیک نوین انقلابی ادامه دهیم.

ما، تمامی نیروهای ملی، مترقی و انقلابی و تمامی اقشار و طبقات مردمی جامعه اعم از زن و مرد را به اتحاد عمل مبارزاتی و مقاومت همسو و مشترک در چوکات مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه امارت اسلامی افغانستان و حامیان بین المللی شان و اشغالگران مرتجع داعشی فرا میخوانیم.

ما برین باوریم که فقط با برپایی و پیشبرد موفقیت آمیز چنین مبارزه و مقاومتی قادر خواهیم شد قدرت ملی مردمی و انقلابی در مسیر تأمین خواست های اساسی ضد ارتجاعی - ضد امپریالیستی توده‌های مردم، به پیش گام برداریم.

مرگ بر امارت اسلامی طالبان و حامیان بین المللی شان!

مرگ بر اشغالگران مرتجع داعشی!

زنده باد اتحاد و انسجام نیروهای انقلابی افغانستان!

به پیش در راه برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی!

" کمیته اتحاد و انسجام نیروهای انقلابی افغانستان "

ششم جدی ۱۴۰۰

۲۷ دسامبر ۲۰۲۱

www.afghanistarmy.org

strugglecommittee4@gmail.com